امر وزيا مولانا

برش

زانک سروی در دلش کردست بیخ آن بمهـر خانەشــينى مــىدود

بـر اميــد زندەســيمايى بـود

مشــهورترين كلبــى، ديوگنــس يـا ديـوژن بود، از شـاگردان أنتيسـتنس.

ار سے ترین ، عیستسن. میگوینــد او در یـک خــم زندگی میکـرد و غیر از یک ردا و یک عصاو یک کیسه نان

چیز دیگری نداشت. (برای همین گرفتن خوشــبختی از

ــادەاي نېود!)

همین ترینی او کار چندان سادهای یسک بار جلو خمش نش

یک بار جلو حصن سست بود و افتبا میگرفت که اسکندر رویسه روی آن مرد حکیم ایستاد و پرسید آرزویش چیست تا فورا براورده کند. دیوگنس

آرزویم این است که یک قدم بسروی کنار تا

برشىاز كتابروحجهان

یک خبر | یک نگاہ

شاتر

خورشيدبهمن بتابدا

آن بايد بعداز تاريخ زايمان باشــد

ىنددر كوتاەم

تلاشبراي فرزندآوري بيشتر

1

می گویند سقراط یکبار چلــو دکهای کــه مقداری کالا به نمایش می گذاشت ایسیتاد آخرش گفت: چه چیزها که به آنها نیاز ندارم!

ب این جمله میتواند شــعار فلسفه کلبیپاشد.۔کلبیها

عقيده داشتند خوشبختى

واقعسی از چیزهای بیرونی سلات مسادی و ىثل تجە

قدرت سیاسی و سلامتی تشـکیل نشـده اسـت. خوشــبختی واقعــی در وابست کردن خــود بــه اینجورچیزهایآسیبپذیرواتفاقینیست.دقیقا

0

چون خوشــبختی هیچربطی به این جور چیزها ندارد، همه می توانند به آن برســند. علاومبر این،

وقتی به دستش آوردی ممکن نیست از دستش بدهیوهمیشهخوشبختمیمانی.

خواجــه تا شــب بــر دکانــی چــار میخ

تاجـری دریـا و خشـکی مـیرود

هـر کـه را بـا مـرده سـودایی بـود

هميشه خوشبخت مىمانى سحر دل آرام

از سر دلتنگی



كردمو يك ساعت مچى را هم قلمزنى كردمو به خاط نمايش مجموعه آثار عنوان بهترين قلمزن به من اعطا شد.رویفولادسختَهمُ کارمی کنموخیلیهاتعجب می کنند کــه چگونه این کار را انجــام میدهم. دلیل موفقیت در انجام این کار آن است که ابزار کارم راخودم می سازم، بنابراین زوایای سر قلم را به میزانی که لازم است انتخاب می کنم من در این راه به تمام آرزوهایم، سميدهام جز يكي از آنها. الان بزر گترين أرزويي كه ارم آن است كه يك آموزشگاه بزرگ داشته باشم تا بتواني آنجه آموختهام رابه جوانان علاقه مندبياموزم اما . در ۱۹ پ گرفتاری هایم در مورد مسائل روزمره و مشکلات مالی باعث شده تنها یک مغازه کوچک اجاره کنیم و در این يين از تدريس هم خبرى نيست. دوست دارم مردم اين كار را بشناسندو بتوانم اين هنر را ترويج دهم. دوست ندارم این هنر از دست برود.

از سر دلتنگی

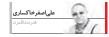
ـنواره صنايعدستي ايتاليا، بگذارید خاطر های از جشـ نعریف کنم. در ایتالیا تنها نماینده ایران در رشته قلمزنی بودم خیلی برایم مهم بود حالا که با نام ایران آمد دارست از برین با نخس کسیک بر ۲۰ ما نام ایران آمدایم، بتوانیم عنوان خوبی کسب کنیم. ۲۰ بنر از کارهایم روی تفنگهای شکاری وقطعات و چاقوهادر آن جا به نمایش در آمد. روی چاقوها ۲۰ جانور در حال انقــراض راطراحی کــرده بودم. تعــدادی از کارهای ی سر - بر _ کهای به اندازه سکه ۵۰۰ تومانی و خاصم روی س کارهای طلاکوبی که برای ساختش ماه زمان صبرف کر دم هم در آنجا نمایش داده شد. اســـم امام علی(ع) را

روی انتهای سنجاقی به مساحت کمتر از

یک میلیمتر برجسته

درحال حاضر احساس بدون پشتوانه بودن می کنم. میشه باخودم می گویم اگر چشم راستم هم از دس برود پرونده «علی اصغُر خاکساری» در قلمزنی برای همیشه بسته میشود! سازنده قطعات سلاح شکاری هستمو كارهايى كه تاكنون دراين زمينه انجام دادمام، حتی یک مورد بر گشتی هم نداشتهاند.قطعات برنو را به۴قسمت تقسیم میکنم بدون این که دقتش به هـــم بخورد. اما تنها هســـتم. بالاخره انرژی آدم محدود اســـت و بعداز

مدتی تمام میشود. دوست داشتم برای کار کردن، توان داشــته باشم اما امروز توان گذشـــته ــت. حالا در من نیست. حالا که بسه اینجا رسسیدیم



از کودکی به کار طراحی علاقهمند بودم. ۴۲سـال ممارست در کنار حضور دایمی در طبیعت (که از ۸ سالگی در کنار پدر آن را آموختهام) آن چنان بر من، تأثیر گذاشت که توانستم دلخواسته هایم را درون کارهایم بیلورم قلمزنی روی فولاد سخت و کارهای نقره و طلاکوب از جمله کارهایی است که برای انجام دادنشان سال ها زمان گذاشتهام. در زمینه طلاکوبی معلم نداشتم و تمام کارهایم در این زمینه را با عشق وعلاقه شـخصى انجام دادم. اما امروز پس از اين همه سال كار وتلاش، چشم چېم به خاطر كار بيش از حد باذرهبین، ۹۰درصد بینایی خود را از دست داده است.



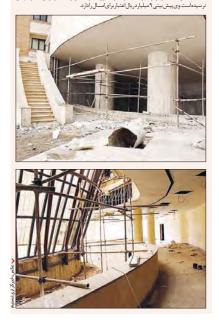
تشویقی افزایش جمعیت درحال پیگیری است و خیلی از محدودیتهایی که یک زمانی با شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» ایجاد شــده بود این معرور ند ضمر، ورندنی پهر و ایجاد سنده بود این روزها با شعار هزرند بیشتر زندگی شادتر» از ارا خانوادها براشته می شود. هر چند که این سیاستهامی تواند تاثیر گذار باشد امانباید از این نکته غافل شد که فرزندآوری در جامعه امروز با تمام مشکلات اقتصادی و محیطی به انگیزدهایی است می می فراتر از کمک هزینه های بارداری نیاز دارد. آینده مبهمی که این روزهــا پیــشروی خانوادههای ایرانی قــرار دارد باعث شــده تا تــرس از بچهدار یورپی صرر کار بعث مست کا صرفی ریپ کار که دست مراحظه بیشتر شود. به همین دلیل است که مسئولان باید راحلی جدی تر جهت تشویق رزوجهای ایرانی برای فرزندآوری ایجاد کنندو توقع

اجتماعي كمك هزينسه بارداري بابست فرزندان چهارم به بعد نیــز پرداخت میشــود. به گزارش مهر، براســاس قانــون اصــلاح قوانیــن تنظیم جمعیت و خانواده و همراستا با سیاست های کلان کشور مبنی بر افزایش جمعیت، این سازمان محدودیتهای از با یکی از این محدودیتهای از این محدودیتهای محدودیت بیمه فرزندان چهارم به بعد و همچنین محدودیت در پرداخت کمک هزینه ایام بارداری و دیگر مزایای قانونی به این بیمه شدگان الغو کرده است. لازم به ذکر است میزان کمک هزینه بارداری، معادل دوسوم آخرین مزدیا حقوق بیمه شده با درنظر گرفتن روزهای استراحت است که از اولین روز شروع استراحت، محاسبه و پرداخت می شود. رزر رسی مدت مرخصی زایمان برای مادرانی که فرزندانشان رااز شیر خود تغذیه می کنند، عماه است که ۳ ماه

طبق گفتههای روابطعمومی سازمان تأمین



مدیر کل کتابخانه های عمومی استان ایلام، علی حیدر مظفری اظلهار کردهاست که عملیات ساخت این کتابخانه سال ۱۳۸۰ در مرکز شهر ایلام آغاز شدو تاکنون باصرف بیش از ۸ میلیار دریال اعتبار به پایان



نظر بیاورید. طیـف این آثار درواقـع به گونهای پرداخته شدهاند که گویا نویستنده تعمدی در پر پرداختــن به مســائل اجتماعی در آنها داشــته بنابراین تا حدزیادی این گونه مطالب مورد بحث عینی و ملموس هستند و دست یافتن به آنها چندان هنری نیست. رمان بیشتر از هر اثر ادبی از هر نوع گرایش هنری، این نوع نقد و تحلیل را می پذیرد، اگر ما به سـراغ رمان هـای درجه اول برویم طبیعتا کار منتقد دشوار تر است اما حاصل کرر عالی تــر خواهد بود. رمان هــای درجه دو که درواقع هر دانشــجویی در حد کار شناسی ارشد و دکترا ممکن است به آن بپردازد و یافته هایی را هم به دست خواهد آورد. اگر شما شوهر آهو خانور ابررسي كنيد طبيعتا بحث نظام اقتصادي که در آن اثر مطرح است، در بعد نظام فرهنگی واجتماعی هم بحثهایی رامطرح می کند، نظام خانواده و چند همسری را مورد بحث قرار داده و نظامهای اجتماعی را در بر دارد. بنابراین هر یک از ایز، موارد را مبنای کار قرار دهید به یافته هایی ، می یابید منتهی چون اثر هنری اثر در _ یک نیست از این حیث راہ یافتن به این مقولات خیلی دشتوار نخواهد بود. امامی توان گفت نقد جامعه شناسی در این آثار بهتر و راحت تر انجام می گیرد. اگر ما یک قلم و کاغذ برداریم و شروع نوانــدن رمان کنيم وهر نکتــه ای را که با آن مواجه شدیم یادداشــت کنیم و پس از به دس آوردن سیاهه موارد مرتبط را در کنار هم قرار دهیم و ... این قبیل کارها چندان دشــوار نیست واما حاصل ارزشــمندی به دســت نمی دهد. آنچه که بیشــتر در جامعهشناسـی رمان و نقد جامعهشناسی مدنظر ما اســت این است که ما جامعەسىاسى مدىعور ماسىت يى ست _ _ _ بېينىم سـاختار فكرى و درونى اثر چقدر وجود دارندو چقدر با مسائل بيرونى تطبيق مىكنند بنابرایس وقتی بحث واقعیت اجتماعی مطرح میشود یک واقعیت عینی داریم و یک واقعیت ذهني اما أنجه براي ما اهميت دارد واقعيتهاي ذهنی است. هر نویسینده و خوانندهای ممکن است به واقعیتهای عینی دستر سی پیدا کند، است به وخینی مناق مینی مسر سی پید. منا ما واقعیت های ذهنی که قـــرار دادن آنها در دل اثر هنری فقط از دســت یک هنرمند درجه یک بر می آید. منظور مــن از واقعیتهای ذهنی نوع تفکری است که در آن هنرمند ریشههای آنها را در متاوی نوشـــتههایش منعکس کند. منظور م از سوی وست میش میشند. از واقعیتهای ذهنی درواقع نوع تفکر، تأملات، اندیشهها،احساسات و تمام آن چیزی است که به بيان حافظ آنى است كه در شعر پاداستان ريخته مىشـود اما خوانندهاى جز خواننده هوشمنداز پس فهم، كشف و تطبيق و تلفيق آن با مسائل ، ۵۷، می آید از این حیث به نظر می آید نقد جامعه شــناختی، نقد ساختار هاسـت که به ما کمکمیکندمااندیشهمردمان آن دوره زمانی و احساسات وعواطف واندیشهها و به طور کلی تمام آنچه تحت عنوان زيبايي شناسي أنچه در جامعه مورد نظر مطرح است رااز اين طريق كشف كنيم وبه فهم كامل آن نايل شويم.



درباره رمان از نظر گاه اجتماعی در زمانه ما «رمان» سند اجتماعی نیست

محمد بار سانسب استادادیات دانشگاه

در ارایه کار خویش دارد به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه دیگری رمان هایی که به لحاظ ساخت ادبی در منزلت پایین تری قرار دارند. دسته اول همچنان که به نقد روانشــناختی یا نقد نشانه شــناختی جواب می دهند تائیراتیرویاترش گذاشتهمی شود.بنابراین می توانیم بگوییم مطالعه در رمان مطالعه در جامعه است.بهترین به نقد جامعه می انتخابی هم تن در می دهند اما بسیار دشــوار و هنرمندانه و محققانه است که کسی بیاید و بستری که مادر آن می توانیم جوامعی که از دسترس ما دور شدهاند و ما با آنها فاصله گرفته ایم را مورد مطالعه مثلادريك رمان فرهيخته مثل شازده احتجاب يا قرار دهیم، آثاری هستند که بهطور مستقیم چندان نظایر آن بخواهد به عینیت های اجتماعی و مفاهیم بیرونی بپردازد و از رهگذر اینها به عینیت های زندگی در ۲۰ ۲۰ روی . در گیر مسائلی که عرض کردم نبودهاند ولی به شکل غیرمستقیم آنچنان که یک اثر ادبی اقتضا می کند آن ...روی، بر در در در در در این برد. این دسته آثار به در جوامع ایس دوره زمانی پی ببرد. این دسته آثار به سبب پیچیدگی و چندلایگی به سرعت و سهول تن ، ر مواردرادر خودبروز دادهاند از این منظر چون اطلاعاتی کهدر این آثار می آیددستهبندی شدهنیست ونویسنده به تحلیلهای جامعهٔشناختی نمیدهند. با این همه اگر کسسی از پس این کار بر بیاید یعنی متخصصی که تعمدا این داده ها را در اثر خود نیاور ده، رمان هم اصالت بشـــترى دارد. از منظر ديگرى مى توان گفت در زمان ما به رمان بهعنوان یک سند اجتماعی نگاه نمی شود. در این زمینه مقبولیت دارد بســیار کار ارزنده و زیبایی خواهد بود چرا که نویسندگان این قبیل آثار مطالب و مسائلی رادر آثارشان گنجاندهاند که دست هر نامحرمی رمان یک اثر ادبی است وادبیات فی نفسه ادبیات است باهمه جذابیت ها،بلاغت هاو جنبه های هنری خودش. به آنها نمیرسد و اگر کسی از پس این پیچیدگی ها بربیاید یقینانکتههای نـاب و ناگفتهای رالرایه خواهد اماوقتی در این باب بیشتر می ندیشیم در خواهیم یافت در همین اثر هنری که بسـیار به قاعده و زیبا ساخته و اد. تيپ دوم , مان ها آنهايي هستند كه به لحاظ ادبي پرداخته شده است،می توانیم بر داشتها و دریافت های ارزشدون تری دارند. فی المثل شمار مان های اجتماعی محمد مسعود، حجازی یا حتی شــوهر آهو خانم را در بر اجتماعی را هم داشته باشیم. به خصوص این که از یک منظر تیپ رمان ها دو گونه اند: یکی رمان های ناب و

جامعه شناسى رمان به اين دليل براى مااهميت دار د که رمان، ژانری در ادبیات است که به لحاظ ساختاری با ساختار جامعه تطبیق می کند. به بیان دیگر می توان گفت رمان بر آینــد زندگی مدرن اسـت. چون هم به لحاظ ســاختار و هم به لحاظ محتوا، مسأله روز است و به ساخت اجتماعی، سیاسے ، اقتصادی و فر هنگی جوامع می سردازد از این حیث می توان گفت بیشتر چوامع می سردازد از این حیث می توان گفت بیشتر پاسخ و باز خورد در بحث جامعه شناسی ادبیات را، در پ کردن در در در در در . حوزه رمان به دست می آوریم. بنابراین بحث کردن در باب جامعه شناسی ادبیات، آن هم ادبیات کلاسیک حداقل از نگاه من مقداری با تسامح همراه است. چون بحثهاو نقدهای جامعهشناختی اصولاناظر به ادبیات وین است و ناظر به جوامع جدید و مـدرن. بنابراین اگر قصد نقد جامعه شناختی را داشته باشیم مصلحت آن است که در باب رمان این کار را انجام دهیم. فارغ از دلیل، پدیدار شــدن رمان در ایران قصد آن داشته تا تصویری از جامعه را، هر چند تخیلی یا هنری یا بلاغی ارایه ده...د. با این حال رمان، بیش از هر اثر دیگری ر۔ ساختارهای اجتماعی رادرون خودانعکاس می دهد. حال به تناسب آن که هر رمان نویسی چه نیت و هدفی